



## مهدویت و متافیزیک دینی

مهدویت به عنوان اصل دینی در نسبت با متافیزیک دینی است، به این معنا این باور دینی به عنوان بخشی از نظامی فلسفی می‌تواند مطرح شود.

مهدویت به عنوان اصل دینی در نسبت با متافیزیک دینی است، به این معنا این باور دینی به عنوان بخشی از نظامی فلسفی می‌تواند مطرح شود.

فلسفه اسلامی بخش مهمی در معرفت دینی است، این معرفت اسلامی تلاش کرده است به تحلیل عقلانی مبانی دینی مانند توحید، وحی و خلقت بپردازد. الهیات بالمعنی الاخص همواره بر اساس مبانی الهیات بالمعنی الاعم بیان شده است. مهدویت به عنوان یکی از آموزه‌های اصلی تشیع می‌تواند بر اساس علیت، در الهیات بالمعنی الاعم تحلیل شود. ارتباط مهدویت و متافیزیک دینی همچنین می‌تواند در ذیل کلام مطرح شود.

### متافیزیک دینی و غیردینی

تغییر در جهان سکولار مبتنی بر علم صورت می‌گیرد و این بدان معناست که علتی خارج از علل شناخته نمی‌تواند تغییری را باعث شود. مهدویت تغییری در جهان است، اما این تغییر چه نسبتی با جهان علل دارد. متافیزیک ماتریالیست بر آن است که علل محدود به جهان مادی می‌شوند. این جهان انرژی را نیز در بر می‌گیرد.

علیت یکی از مفاهیمی است که فلاسفه اسلامی با استفاده از آن به تحلیل حرکت و شدن در جهان می‌پردازد، در زبان فلسفه اسلامی خداوند علت‌العلل است. جهان در متافیزیک مادی محدود به ماده و انرژی نیست بلکه هر امکانی در سلسله علل به امر الهی ممکن است.

با نگاه متافیزیکی، همه تاریخ در ذیل تحلیل علی تبیین می‌شود و تاریخ از نگاه متافیزیکی دارای علتی واجب الوجود است. معلول‌های مورد بحث در فلسفه اسلامی هر چیزی می‌توانند باشند، بخار آب، حمله چنگیز خان مغول و یا معجزات پیامبران همه در سلسله علل مادی تبیین می‌شود. در این نگاه متافیزیکی هر موجودی بنا به حکمت الهی توجیه می‌شود و شر جایی در سلسله علل الهی ندارد.

نگاه متافیزیکی دینی در مقابل نگاه غیردینی قرار می‌گیرد، زیرا نگاه دینی سلسله علل را خودبنیاد نمی‌داند بلکه معتقد است علتی الهی در کار است و همه جهان به آن باز می‌گردد. سکولاریسم متافیزیکی و به بیان دیگر ماتریالیسم اصلی‌ترین نقطه مقابل متافیزیکی دینی است.

اما آنچه تحلیل‌های دینی را در تبیین امور طبیعی و تاریخی ممکن می‌کند، متافیزیک دینی است بدون اعتقاد متافیزیک دینی نمی‌توان پدیدار دینی را توضیح داد و توجیه کرد.

### مهدویت و متافیزیک دینی

مهدویت دعوی ممتاز اسلامی است که بیشترین حامیان و معتقدان خود را در مذهب تشیع می‌یابد و در سلسله امامان و اهل بیت (ع) امام زمان (ع) مطرح می‌شود. غیبت، انتظار، ظهور و... مفاهیمی هستند که در حول این مساله مطرح می‌شوند و این مفاهیم در ارتباط با متافیزیک دینی است.

وحی در فلسفه فارابی تحلیلی متافیزیکی می‌یابد و پیامبر در ارتباط با عقل فعال پیام نبوت را دریافت می‌کند. در ادامه نبوت و مساله امامت، ارتباط با مبدا جهان توجیه‌گر مساله امامت می‌شود.

از سویی دیگر غیبت که در طول تاریخ دینی صورت گرفته و به امر خداوند صورت می‌گیرد، در نسبت با امر الهی صورت می‌گیرد به این معنا غیبت معلولی است که در نسبت با متافیزیک دینی معنا دار خواهد بود.

آیا ما می‌دانیم که هر معلول و پدیده‌ای چگونه به وجود آمده است؟ بی‌تردید همه پدیده‌ها علت روشنی برای علم انسانی ندارند، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های جهل به علت‌ها جهل به چگونگی به وجود آمدن جهان است. بی‌تردید ما همه چیز را نمی‌دانیم اما این متافیزیک است که به تحلیل مسائل بنیادین می‌پردازد.

ما نمی‌دانیم امام زمان (ع) چگونه غایب شده است و چگونه تا کنون در غیبت مانده است. جنس این نداستن نداستنی علمی است و نه دینی، به بیان دیگر به علم دینی مهدویت موجه است و می‌توان آن را بر اساس باور متافیزیکی علیت توجیه کرد.

علت‌العلل در سرآغاز جهان از آن‌جا که همه چیز وابسته به اوست و او به همه علل آگاه است از این‌رو نمی‌توان گفت که چون ما به علل امر آگاه نیستیم پس این امر نامعقول است.

میثم قهوه‌چیان